

قرار ساعت هشت

بالمقام فرزند ۱۳۲۷ عای ۳۲ صفحه سجدیه

الهی! گاهی که آتش پیراهنم شد و شیطان از آستینم زیاده کشید، اگر نبود دستان آبی آرامش، از من جز خاکستر پشمیانی چه می ماند امروز؟ الهی چه فریبی بود در آن صورتک خندان که مرا از بهشت لیختند تو به سربانی میان آتش های افروخته جهنم دعوت می کرد؟



آزار دیدن به جرم مسلمانی

در صفحه اخبار بخوانید
نابغه هام سابقه می دهند
تنبل ترین مردم جهان را بشناسید
بحران زندان های خالی در هلند

خوانش کتاب «عزیزم من موجب
 آبرفتن بچه ها شدم»
آدم کوچولوها

السلام بانو علیک یا

بوی بهشت

فاطمه نیک

«بوی بهشت» حکایت دختری است که برای پرسیدن سؤالهای مادرش از فاطمه (س) به منزل او می رود. چندبار سؤالها را زیر لب تکرار می کند. وقتی مطمئن می شود که چیزی از ذهنش نپریده است، بر سرعت قدم هایش می افزاید. چهره برافروخته و آمیخته به شرمش زیر آفتاب، گر گرفته است. دختر سفارش های مادرش را به خاطر سپرد. «دخترم، فاطمه و فرزندانش بوی بهشت می دهند. تن ضعیف من باری ام نمی کند. که به خانه آن ها بروم، تو به جای من برو و دست های فاطمه را ببوس. او زنی از اهل بهشت است.»

دختر که به خانه فاطمه (س) می رسد، همه چیز برایش تازگی دارد. دلش از عظمت فاطمه (س) لریز است. اما با دیدن چهره او آرامشی در خود احساس می کند و سؤال هایش را می پرسد. پرسش های زیاد است و دختر از پرسیدن همه آن ها شرم دارد. «ساعتی است وقت با تو را گرفته ام. سؤال های بسیاری از او پرسیده ام و سؤال های زیادی مانده است. به فاطمه نگاه می کند. خوش رو است و تبسمی بر لب دارد. به طمع می افتد که سؤال های باقی مانده را پرسد.» فاطمه (س) هر بار می گوید: «باز هم پرس!» و دختر می پرسد، اما همچنان شرمگین است. فاطمه (س) با سخنانش شرم را از دختر دور می کند. «اگر روی زمین تارخ خداوند را بر از مرور بد کنی، خدا پیش از آن را در برابر هر پاسخی که به سؤال های تو دادم، به من می دهد.»

۱- زنان سپیدپوش / چهارده حکایت از زندگانی حضرت فاطمه زهرا (س) / یازدهم، مرتضی دانشمند / ۷۷ ص. / مصور / چاپ اول، تابستان ۱۳۷۶ / موسسه انتشارات قدیانی



همیشه هم این نیست که در آمریکا هر اتفاقی بیفتد، همه ریشتر نگاه کنند و کش علیک الصلح نشان ندهد.

کشف کلمپ قانون ترامپ

برای هشتایی هایی که دوست دارند درباره قانون جدید رئیس جمهور آمریکا بدانند



ایرانیان در رأس کارهای مهم آمریکا

اما موردی که ترامپ به آن اصلاً فکر نکرد و این قانون را تصویب کرد، این بود که بسیاری از دانشمندان که در رأس کارهای مهم در آمریکا هستند، ایرانی اند. یکی از مقامات مهم ناسا می گوید ۴۳ درصد مدیران ارشد ناسا ایرانی هستند، همین طور ۲۱ درصد اعضای انجمن ریاضیدانان آمریکا، ۱۴ درصد پزشکان، ۱۷ درصد برنامه نویسان و ۱۱ درصد استادان معروف دانشگاه ها! و در واقع ترامپ با تصویب این قانون خودش را مضحکه همه دنیا کرده است.

بی احترامی به مسلمانان آمریکا

اگر بتوانیم از کنار همه این ها بگذریم، از توهینی که ترامپ به مسلمانان کرده است نمی توانیم به راحتی عبور کنیم؛ زیرا او کشورهایی را از ورود به کشور آمریکا منع کرده است که همگی مسلمانند و او با این قانون مسلمانان را تروریست عنوان کرده است، در حالی که بیش از سه میلیون مسلمان در آمریکا زندگی می کنند و قطعاً آن ها نیز در برابر توهین او ساکت نخواهند نشست. تظاهرات های ضد ترامپ که این روزها در سراسر آمریکا و کشورهای دیگر دنیا در حال برگزاری است نشان می دهد که او توانسته حتی رضایت مردم کشور خودش را جلب کند و با امضای قوانین نژادپرستانه، خودش را بین مردم دنیا منفورتر می کند.

واکنش متقابل

همیشه هم این نیست که در آمریکا هر اتفاقی بیفتد، همه بنشینند نگاه کنند و کسی واکنشی نشان ندهد. قطعاً کشورهای که آمریکا با آن ها خصمانه رفتار کرده، واکنش نشان می دهند؛ مثل مکزیک که وقتی ترامپ اعلام کرد بین کشورش و کشور مکزیک دیوار می کشد، رئیس جمهورش تمام دیدارهایش را با او به هم زد. بالاخره اگر قرار نباشد ایرانی ها به آمریکا بروند، قطعاً مواردی هم برای محدودیت ورود آمریکایی ها به ایران وضع خواهد شد.

دادوستد ممنوع

قطعاً با این قانون آمریکایی ها هم کمتر اجازه ورود به ایران را پیدا می کنند و این موضوع می تواند بسیاری از روابط تجاری، ورزشی، اقتصادی و اجتماعی را که بین مردم دو کشور انجام می شود، را دستخوش تغییر قرار دهد؛ زیرا از زمان پیروزی انقلاب اسلامی، روابط بین ایران و آمریکا تیره بوده و دو دولت هیچ رابطه ای با هم نداشته اند، اما گاهی تجار و بازرگانان با هم دادوستد می کردند که با این قانون، این موضوع هم منتفی می شود.

در واقع باید به او بگوییم آن موقع که ایرانیان تمدن داشتند و قوانین دنیا را تعیین می کردند، کشور آمریکا زیر دریاها مدفون بود. پس بهتر است ترامپ کمی حافظه تاریخی اش را تقویت کند و حواسش به حرف ها و کارهایی که انجام می دهد، باشد.

ملیحه محمودخواه | درست از زمانی که کریستف کلمب قاره آمریکا را کشف کرد، پای مهاجران به این قاره باز شد. آن زمان ساکنان آمریکا را بومیان آمریکا تشکیل می دادند. به بومی های آمریکا برنخورد، بومیان آن موقع تنها کاری که بلد بودند این بود که شکار می کردند و دور آن پمپا، پمپا می کردند و همان را می خوردند. اما آمریکا را همین مهاجرانی ساختند که به امید زندگی بهتر، شهر و زادگاهشان را رها کردند و وارد آمریکا شدند. این مسأله از حافظه تاریخی مردم دنیا پاک نخواهد شد، اما آن طور که پیداست، ترامپ آن را فراموش کرده است و از حافظه کوچک او که چیزی جز پول، نژادپرستی و دیکتاتوری در آن جانی گیرد، پاک شده است. حالا او سلاح دشمنی با مهاجران را در دست گرفته است و نژادپرستی را تا آنجا پیش برده که قانونی را امضا کرده است که براساس آن مردم کشورهای مسلمان ایران، سوریه، عراق، لیبی، یمن و سودان نمی توانند به آمریکا سفر کنند و این می تواند شروع یک خشم جهانی نسبت به ترامپ باشد. هر چند که فعلاً یکی از قضات آمریکا که می داند ترامپ خیلی عقل و مزاج درست و درمانی ندارد، اجرای قانون ترامپ را متوقف کرده است، اما اگر قرار باشد قانون ترامپ بالاخره اجرا شود، چه خواهد شد؟



توهین به انسانیت

اگر خیلی ها از قانونی که ترامپ وضع کرده است، خشمگین و ناراحت هستند، دلیل بر این نیست که همه خودشان را می کشند تا به آمریکا برسند، این خبرها نیست. اولاً همه آنقدر پول ندارند که بتوانند این سفرها را انجام دهند و در نانی آن هایی هم که پول چنین سفرهایی را دارند، آنقدر در دنیا جا برای دیدن هست که به آمریکا نروند. اما چند نکته باقی می ماند که همان ها مشکل ساز است؛ اول اینکه این نوع نگاه، نوعی توهین به حساب می آید و در واقع ترامپ با این کارش نه تنها به مسلمانان دنیا، بلکه به انسانیت توهین کرده است و به همین دلیل از کنار این کارش نمی توان به راحتی گذشت.

سفرهای علمی و تجاری به آمریکا

همه سفرهایی که به آمریکا صورت می گیرد، سفر تفریحی نیست و خیلی وقت ها سفرها جنبه تجاری، پزشکی و یا تحصیلی دارند. طبق آمار، ایران بیش از ۱۲ هزار دانشجو در آمریکا دارد که دوست دارند با خانواده هایشان حتی اگر شده یکبار در سال رفت و آمد داشته باشند و خانواده هایشان را ببینند. اما با قانونی که ترامپ وضع کرده است، این رفت و آمدها قطع می شود و دانشجویانی که آنجا درس می خوانند، یا باید قید خانواده هایشان را بزنند، یا قید درس خواندن را.

یک میلیون ایرانی دارای اقامت

اما این همه اتفاقی که می افتد، نیست؛ زیرا بیش از یک میلیون ایرانی به دلایل مختلف در آمریکا زندگی می کنند که اقامت دائم دارند. اقامت دائم داشتن در آنجا به این معناست که آن ها در آنجا کار و کاسبی دارند و در حال حاضر به دولت آمریکا مالیات می پردازند. این گروه از افراد هم که خانواده هایشان در ایران هستند، از این به بعد خودشان باید راه بیفتند و به ایران بیایند و این نشان می دهد که ترامپ هیچ ارزشی برای شهروندان خودش قابل نیست.

در هفته‌ای که گذشت، کتاب دیگری نیز راهی بازار نشر شد که «بود و نبود» نوشته «سیدهاشم حسینی» است و سوره مهر آن را منتشر کرده است. در خلاصه کتاب می‌خوانیم این را در حال عبور از کنار مکانیک گفت. صبر نکرد و بلند شود یا خواهش کند یا تشکر کند یا هر حرف دیگری بزند. در خاکی دید. مکانیک بهت زده و با عجله برخاست. از حواس پرتی خودش رنجید و دست به صورتش کشید و چانه‌اش را خاراند. تازه سیاهی کلت را در کمر جوان دید. حدسش درست بود. از آن جوان‌های شبه‌نظامی بود که آن روزها زیاد شده بودند.

رمان نوجوان

عزیزم

من موجب آب رفتن بچه‌ها شدم

نوشته‌ی: هیلر، نیل هیلر
ترجمه‌ی: مهناز داودی



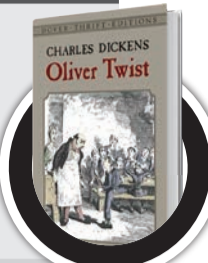
ی از خانه
ت اشیاء
اخل اتاق

02

نویسنده‌های شیبه شخصیت‌های کتابش با کتاب‌هایی از سراسر دنیا آشنا شویم

اخبار کتاب را که با هم ورق بزنیم، به انتشار کتاب‌هایی از نقاط مختلف جهان می‌بینیم. با هم این اخبار را مرور کنیم.

ترجمه‌های دیگر از الیور توئیست



ترجمه‌های دیگر از «الیور توئیست» منتشر شد. «الیور توئیست» از مجموعه کتاب‌های کلاسیک شهر قصه است که در ۴۸ صفحه و با بازنویسی «مگی پیرسون» راهی بازار کتاب شده است. این کتاب را «زهر قلمبر دزفولی» ترجمه کرده است. خوب است بدانید چارلز دیکنز، دوران کودکی سختی داشته و همه خانواده‌اش به‌خاطر بدهی در زندان به‌سر می‌برده‌اند. دیکنز جوان بعد از دوران سختی که پشت‌سر گذاشت، نویسندگی و خبرنگاری را تجربه کرد و به یکی از مشهورترین نویسندگان جهان تبدیل شد.

بخش‌هایی از این کتاب را بخوانید: رئیس نوانخانه زیر لب گفت: این پسر از وقتی به دنیا آمده، در دسر به‌بار آورده! سرپرستار گفت: کدام پسر را می‌گویید آقای بامبل؟ - کدام پسر؟ الیور توئیست خانم! اگر سر آن پسر یک‌روز بالای دار نرفت، اسم من بامبل نیست. با همه این حرف‌ها او برای به دار آویخته شدن به دنیا نیامده بود. او به دنیا آمده بود تا قهرمان شود.

«پرنده، پسرک، قطار» و خانه پیرزن

«پرنده، پسرک، قطار»، کتابی از «احمدرضا احمدی» است که کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان آن را منتشر کرده است. در این داستان، پسرکی پرنده خود را در قطار گم می‌کند و روزهای زیادی در پی پیدا کردن او ست. احمدرضا احمدی در این داستان مفهومی که سرشار از نماد است، با استفاده از نمادها سعی کرده بازتاب‌دهنده مفاهیم مختلف برای مخاطبان خود باشد. پسرک داستان «پرنده، پسرک، قطار»، جست‌وجوی خود را شروع می‌کند تا اینکه ناامید می‌شود، اما جست‌وجو را همچنان ادامه می‌دهد. مخاطبان این کتاب را گروه سنی (۱۰-۱۲) تا ۱۲ ساله‌ها هستند. این کتاب که تصویرگری آن را «آشین خیری» برعهده داشته، به پنجاه و چهارمین نمایشگاه تصویرگری بلونیا ۲۰۱۷ نیز راه یافته است. این هم بخش‌هایی از آن: پسرک روزی به خانه پیرزنی رفت که اتاق‌هایش از پرنده پر بود، پر از بلبل، قناری، کبک، مرغ عشق، پیرزن گفت: ناامید نباش، شاید روزی پرنده تو هم به خانه من بیاید.

«همافر» از تاریخ ایران می‌گوید

«همافر» منتشر شد. «همافر» کتابی در زمینه خاطرات است که خاطرات آن به بخشی از فعالیت‌های انقلابی اشخاص مختلف اختصاص یافته است. این اشخاص در سطوحی از ارتش رژیم شاه مانند نیروی زمینی، نیروی هوایی و نیروی دریایی فعالیت می‌کردند. این کتاب توسط مهدی نوروزی نوشته شده و سوره مهر آن را منتشر کرده است. در بخش‌هایی از کتاب نقل شده، البته من کار خودم را که شناسایی محل تجمع مستشاران بود انجام داده بودم. آمریکایی‌ها با قدهای بلند، هیکل‌های درشت، صورت‌های سرخ و پف کرده، چشمان آبی و با حالت تکبر وارد سالن می‌شدند. انگار نه انگار که در جزیره ثباتشان، زلزله‌ای رخ داده و انقلابی در حال وقوع بود. بی‌اعتنا به فریاد آزادی خواهانه و استقلال‌طلبانه ملت مظلوم ایران، سرگرم مأموریت‌های محوله‌شان بودند، شاید حق توحش هم می‌گرفتند!

با عزیز جان در عزیزیه

کتابی براساس تجربه سفر به حج انتشار یافت. «با عزیز جان در عزیزیه» عنوان کتابی است که «فرخنده آقایی» آن را براساس سفر به حج نوشته است. موضوع اصلی این سفر نامه-رمان، سفر چند زن سالمند به حج تمتع است. این کتاب، رفتارها و شوخی‌های این گروه را که در یک هتل اقامت دارند، به تصویر می‌کشد. این جملات برای پشت جلد کتاب انتخاب شده است:

چهار هم‌اتاق، هر کدام روی تخت خود نشسته بودند و برتقال‌ها را به‌طرف هم پرت می‌کردند. خانم مدبری با عصایش برتقال‌ها را به‌طرف دیگران می‌فرستاد و آن‌ها با پایشان پس می‌فرستادند. زن‌ها از اتاق‌های دیگر جمع شده بودند کنار در و هر کدام کسی را تشویق می‌کردند و دست می‌زدند. بیشتر طرفدار خانم مدبری بودند. خانم صراف می‌گفت: «شما هم بیایید. داریم برای سنگ زدن به شیطان تمرین می‌کنیم.» «یوالله خانم مدبری!» عزیز جان کوتاه نمی‌آمد. این کتاب را انتشارات ققنوس منتشر کرده است.

سیل و مرداب شیرهای

وسيله آب پخش کنی به کار افتاده و بچه‌ها در یک سیل گرفتار می‌شوند. آن‌ها سعی دارند هرطور که شده از شر سیل خلاص شوند. امی و ران، درون یک در بطری که برایشان در حکم یک قایق است، قرار گرفته‌اند، اما امی داخل آب سرتگون می‌شود و راس او را نجات می‌دهد. بچه‌ها که خیلی تلاش کرده‌اند، حسابی گرسنه‌اند. یک تکه شیرینی توجه آن‌ها را جلب می‌کند، اما روی یک پر از مورچه است. بچه‌ها پنهان می‌شوند و مورچه‌ها تکه‌های شیرینی را با خود می‌برند، اما مورچه‌ای که از همه کوچک‌تر است، با یک تکه شیرینی کشتی می‌گیرد.

ران می‌خواهد از این بچه مورچه، سواری بگیرد: «بچه‌ها از علف‌های بافته‌شده یک سورتمه درست کردند و آن را با طناب علفی به مورچه بستند. ران پشت مورچه نشست تا آن را براند. بقیه بچه‌ها هم درون سورتمه نشستند. ران یک تکه چوب را که یک تکه شیرینی از آن آویزان بود، مثل چوب ماهیگیری در دست گرفته بود. او از شیرینی برای هدایت کردن مورچه استفاده کرد.» و باز یک حادثه دیگر؛ ران که صبح همان‌روز با ریختن شیریه روی حشره‌ها، آن‌ها را اذیت کرده بود، داخل گودال شیریه می‌افتد. بچه‌ها طی عملیاتی، ران را نجات می‌دهند.

آن‌ها با مورچه دوست شده‌اند و ران تصمیم می‌گیرد از این به‌بعد با حشرات مهربان‌تر باشد. آن‌ها بعد از گذراندن یک روز خسته‌کننده، داخل بلوک‌های پلاستیکی اسباب‌بازی‌های ساختمانی نیک، شب را به صبح می‌رسانند.

بازگشت به اندازه معمولی

بچه‌ها صبح متوجه می‌شوند که خیلی به خانه نزدیک‌اند، اما آن‌ها نمی‌توانند از پله‌ها بالا بروند، پله‌ها برایشان بلند است. فکری به ذهن نیک می‌رسد. نیک سوت می‌زند و با صدای سوت او سگشان، کوارک به حیاط می‌آید. ران، نیک و امی سوار بر کوارک به خانه می‌روند. داخل خانه کم مانده نیک که داخل ظرف برشتوک افتاده، توسط آقای سالینسکی خورده شود، اما کوارک وارد عمل می‌شود: «سرانجام کوارک برای نجات نیک وارد معرکه شد. سگ دیوانه‌وار پارس می‌کرد. صدای او خیلی بلند بود و با سماجت پارس می‌کرد؛ طوری که آقای سالینسکی نمی‌توانست به او بی‌توجهی کند.»

آقای سالینسکی بالاخره متوجه بچه‌ها می‌شود. آقا و خانم سالینسکی، خانواده تامسن را خبر می‌کنند و آقای سالینسکی دستگاه را دوباره امتحان می‌کند. در اولین تست، قد راس به چهارمتر می‌رسد، اما فیزیکدان موفق می‌شود او و بقیه بچه‌ها را به اندازه اصلی‌شان برگرداند: «راس از صدای سرفه بچه‌ها متوجه شد که همه چیز به حال عادی برگشته است. وقتی دود محو شد، چهارتا بچه با اندازه معمولی آنجا ایستاده بودند.»



آقای سالینسکی بالاخره متوجه بچه‌ها می‌شود. آقا و خانم سالینسکی، خانواده تامسن را خبر می‌کنند. آقای سالینسکی دستگاه را دوباره امتحان می‌کند. در اولین تست، قد راس به چهارمتر می‌رسد، اما فیزیکدان موفق می‌شود او و بقیه بچه‌ها را به اندازه اصلی‌شان برگرداند: «راس از صدای سرفه بچه‌ها متوجه شد که همه چیز به حال عادی برگشته است. وقتی دود محو شد، چهارتا بچه با اندازه معمولی آنجا ایستاده بودند.»

عزیزم من موجب آب رفتن بچه‌ها شدم
نوشته: ب.ب. هیلر، نیل هیلر
مترجم: مهناز داودی
مشخصات نشر: تهران محراب قلم، ۱۳۸۶
مشخصات ظاهری: ۸۴ ص

03

خوانندگی و کتاب‌های

یک نیکوکار ناشناس آمریکایی، کتاب‌های «۱۹۸۴» نوشته «جورج اورول»، «قصه ندیمه» نوشته «سارگارت اتوود» و «در باغ حیوانات» نوشته «ریک لارسن» را به‌صورت رایگان در اختیار مردم قرار داده است. این نیکوکار می‌خواهد مردم را به مبارزه علیه دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور جدید آمریکا ترغیب کند. شعار او این است: «بخوان! مبارزه کن!»

«شاهزاده و پینو» اثر مارک تواین یا ترجمه «محمد رضا ملکی» منتشر شد. مخاطب این کتاب که از سوی انتشارات پیدایش منتشر شده، گروه سنی نوجوان است. این کتاب در واقع ترجمه دیگری از رمان «شاهزاده و گدا» است و در گروه کتاب‌های «کلاسیک‌های خواندنی» انتشارات پیدایش قرار دارد.

«دوست نابغه من»، کتابی ویژه مخاطب سنی نوجوان است که از سوی نشر «فیر» راهی بازار کتاب شده است. «دوست نابغه من» کتابی درباره جنگ جهانی دوم است که زندگی دو دختر به نام‌های «لانا» و «لی لا» را روایت می‌کند. این کتاب را «لانا فرانسه» نوشته و «سارا عصاره» آن را ترجمه کرده است.

جلد آخر «قصه‌های بریان» آمد. قصه‌های «بریان»، یک مجموعه ۱۲جلدی است که در جلد دوازدهم آن موضوعاتی مانند بهشت گم‌شده، گوزن طلسم‌شده، آهنگ شگفت‌انگیز و بانوی چشمه وجود دارد. این کتاب نوشته «اندرو لانگ» است که توسط نشر هیرمند منتشر شده است.

دانش‌آموزان خرابکار به خواندن ۳۵ جلد کتاب محکوم شدند. آن‌ها روی دیوار مدرسه تاریخی آفریقای - آمریکایی نقاشی نژادپرستانه کشیده بودند و یک قاضی در ویرجینیا آن‌ها را محکوم کرد تا ۳۵ جلد کتاب را که موضوع آن‌ها درباره نژادپرستی، برابری جنسیتی، مذهب و جنگ است، بخوانند. آن‌ها باید ۱۴ فیلم و دو سوره را هم ببینند.



قرار سلامت

الهی! گاهی که آتش پیرانم شد و
شیطان از آستینم زبانه کشید، اگر نبود
دستان آبی آرامش، از من جز خاکستر
پشیمانی چه می ماند امروز؟
الهی! چه فریبی بود در آن صورتک خندان
که مرا از بهشت لبخند تو به سراپی میان
آتش های افروخته جهنم دعوت می کرد؟

و قَدْ اسْتَحْوَذَ عَلَيَّ عَدُوُّكَ الْبَدِي اسْتَظَّرَكَ
لِعَوَاثِي فَأَنْظَرْتَهُ، وَ اسْتَمْتَمْتَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ
لِضَلَالِي فَأَمَّلْتَهُ.
فَأَوْقَعْتَنِي وَ قَدْ هَرَبْتُ إِلَيْكَ مِنْ صَغَائِرِ
ذُنُوبٍ مُؤَبِّقَةٍ، وَ كِتَابِي أَعْمَالَ مُرْدِيَةٍ حَتَّى
إِذَا قَارَأْتُ مَغْصِبَتِكَ، وَ اسْتَوْجَبْتُ بِسُوءِ
سَخِي سَخَطَتَكَ، قَتَلَ عَنِّي عَذَابَ عَذْرَةٍ، وَ
تَلَقَّانِي بِكَلِمَةٍ كَفَّرَهُ، وَ تَوَلَّى الْبِرَّةَ مَنِي، وَ
أَذْبَرَ مُؤَلِّبًا عَنِّي، فَأَصْحَرَنِي لِقَضِيكَ فَرِيدًا، وَ
أَخْرَجَنِي إِلَى فِتْنَةٍ تَقَعَّتِكَ طَرِيدًا.

تو عالم و ناظری که آن دشمن دیرینه ات
که برای گمراه کردن من از تو مهلت
طلبید و تو او را مهلت دادی و برای
منصرف کردن من تا روز قیامت از تو
فرصت خواست و تو او را فرصت دادی،
بر من چیره گشت و در همان حال که از
گناهان خرد هلاک کننده، و معصیت های
بزرگ کشنده به سوی تو همی گریختم،
مرا بر زمین زد و از وصول به پناهگاه
عصمت و سنگر حفظ و حراست تو باز
داشت، تا چون به معصیت تو آلوده شدم
و به سوء عمل خود مستوجب خشم تو
گشتم، عنان حبله خود را از من برتافت و
انکار خود را در مقابل رفتار من اعلام کرد،
و از من بیزاری جست، و پشت به من کرد
و به راه افتاد. پس مرا در بیابان گمراهی
در معرض غضب تو تنها گذاشت.

فراز ۱۳
از دعای ۲۳ صفحه سجاده
برداشت و الهام آزاد
از اسماعیل فیروزی



تازان و مهررانی
رستمان سرد و سخت در کردستان با «تازان و مهررانی» این مردم گرم است.

پاکسازی نژادی

علت سختگیری پلیس میانمار نسبت به مسلمانان این است که آن ها می خواهند بودایی ها را به مناطق مسلمان نشین بیاورند. البته خود آن ها می گویند که مسلمان ها بین بقیه نژادها اختلاف می اندازند، اما شواهد نشان می دهد که قصد پلیس و دولت میانمار به هم زدن ترکیب جمعیتی در این منطقه مسلمان نشین و از بین بردن جمعیت مسلمان است.
همان طور که مسلمانان ساکن میانمار همیشه مورد آزار و اذیت بوداییان مورد حمایت دولت بوده اند، دولت میانمار از دادن حق کامل شهروندی به مسلمانان که بیش از یک میلیون نفر از جمعیت این کشور را تشکیل می دهند، خودداری می کند.
به همین خاطر همه می دانند که ممکن نیست دولت میانمار از خشونت های پلیس این کشور علیه مسلمانان خیر نداشته باشد و فهمیدن آن هم احتیاج به تحقیق و بررسی ندارد! اما این اعتراف دولت میانمار نشان می دهد که فشار افکار عمومی مسلمانان روی سازمان ملل و این کشور کمی نتیجه داده است.



پلیس: ما کاری نکردیم!

دفتر حقوق بشر سازمان ملل چندوقت پیش با انتشار گزارشی اعلام کرد که نیروهای امنیتی میانمار از سال گذشته در یک عملیات که به احتمال زیاد هدفش جنایت علیه بشریت و پاکسازی نژادی بوده است، به قتل عام و تجاوز به مسلمانان میانمار و آتش زدن روستاهای آن ها پرداخته است.
یک مقام بلند پایه پلیس میانمار هم درباره این موضع گفت: «گزارش سازمان ملل موارد مفصل و فراوانی را درباره آنچه اتفاق افتاده می گوید و به همین خاطر یک تیم تحقیق ایجاد شده است. گزارش سازمان ملل موارد بسیار جدی از نقض حقوق بشر را اعلام می کند، اتهاماتی از جمله تجاوز که علیه پلیس مطرح شده است. اما تا آنجا که من می دانم، چنین اتفاقی رخ نداده است!
او همچنین اعلام کرد: ۵ نیروی پلیس به دلیل سوءاستفاده از مسلمانان در یکی از ایالت های مسلمان نشین، به ۲ ماه زندان محکوم شده اند.

فشار افکار عمومی و سازمان ملل به دولت و پلیس میانمار دارند نتیجه می دهد

آزار دیدن به جرم مسلمانی

اتحادیه جمهوری میانمار، کشوری است در جنوب شرقی آسیا که با چین، هند و بنگلادش همسایه است. اما پیشتر از اینکه منطقه جغرافیایی این کشور مهم باشد، اتفاقاتی که در این خاک می افتد مهم است. میانمار مردم مسلمانی دارد که سال ها فقط به جرم مسلمان بودن گرفتار آزار و اذیت های وحشتناک دولت میانمار هستند.

عقب نشینی پلیس میانمار

۷۰ درصد جمعیت میانمار بودایی است. نظامیان میانمار، سایر اقلیت های قومی را هم مورد آزار و اذیت قرار می دهند، اما همیشه رفتارشان با مسلمانان خیلی خشن تر از بقیه بوده است.
در سال های اخیر که خشونت علیه مسلمانان در این کشور اوج گرفته است، مسلمانان جهان به این وضعیت معترض بودند. تا اینکه بالاخره این اعتراض و همچنین وارد شدن سازمان ملل به ماجرا باعث شد پلیس میانمار کمی عقب نشینی کند و دولت این کشور اعلام کند که درباره رفتار پلیس میانمار با مسلمانان تحقیق و بررسی می کند.

علاقه سختگیران پلیس میانمار نسبت به مسلمانان این است که آن ها می خواهند بودایی ها را به مناطق مسلمان نشین بیاورند. البته خود آن ها می گویند که مسلمان ها بین بقیه نژادها اختلاف می اندازند، اما شواهد نشان می دهد که قصد پلیس و دولت میانمار به هم زدن ترکیب جمعیتی در این منطقه مسلمان نشین و از بین بردن جمعیت مسلمان است.

9h خانم هشتک

گواهینامه رانندگی
نام و نام خانوادگی
تاریخ تولد
تاریخ صدور
مدت اعتبار

31800.000 likes
View all 17600 comments

نو گواهینامه دارها

آن موقع ها که برای گرفتن گواهینامه رانندگی سر کلاس می رفتم (به امید خدا، شما هم چندسال یا چندوقت دیگر می روید)، افسر راهنمایی رانندگی مدرس کلاس می گفت: از بس پدر و مادرهایان بد رانندگی کرده اند و مرتکب خلاف های رانندگی شده اند، حالا برای دوره شما قوانین سختگیرانه تری برای گرفتن گواهینامه گذاشته اند!
از آن سال زیاد نمی گذرد که امروز لایه لای خبرها می بینم از قول پلیس راهور نوشته اند آن هایی که تازه گواهینامه می گیرند، باید پشت و جلوی ماشینشان تابلوی «احتیاط راننده مبتدی است» را نصب کنند! حالا جدای از اینکه آیا کسی زیر بار این کار می رود یا نه، ببینید کار به کجا رسیده که دیگر نمی شود قوانین گرفتن گواهینامه را از این سخت تر کرد، پس باید نو گواهینامه دارها مشخص بشوند تا بلکه کمی از آشفنگی خیابان های ما کم بشود! همه ما از وضع رانندگی خصوصاً در شهرهای بزرگ ناله می کنیم. اما راننده ها خود ما هستیم. یعنی آن هایی که این آشفنگی و اعصاب خوردی را در خیابان ها رقم می زنند. تصادف می کنند و به بقیه خسارت های مالی و یا خدای ناکرده جانی می زنند. همین خود ما هستیم و جالب است که در عین اینکه از فرهنگ رانندگی دیگران ایراد می گیریم و می گوئیم دیگران نمی توانند درست رانندگی کنند، خودمان سعی نمی کنیم رفتارمان را اصلاح کنیم و شاید اصلاً در حال گفتن همین جمله ها، دو سه تا خلاف رانندگی هم مرتکب شویم.
القصه که هر کاری را باید از خودمان شروع کنیم؛ والا بالا رفتن جریمه ها، زیاد شدن افراد پلیس و حتی برجسب زدن روی ماشین هر کسی که تازه گواهینامه گرفته است، اوضاع را بهتر نخواهد کرد. آن وقت شاید یک روز یک افسر راهنمایی رانندگی به فرزندان ما بگوید، از بس پدر و مادرهایان شورش را در آوردند، دیگر به شما گواهینامه رانندگی نمی دهیم. والسلام!

رانندگی
گواهینامه
فرهنگ رانندگی
hasht_fans
حالا نوبت ما که رسید این طوری شد
دیگه!

https://telegram.me/khosroanjom_majid

در سطح شهر به گردشگران احترام بگذارید و به آن ها کمک کنید...

هلو و هندونه!
کن یو اسپیک عین آدمیزاد؟
حالا کلاً هاوار بیوت خوبه؟

Hello...

فقط عیال من می تونه...
روزی چند ساعت برنامه آشپزی نگاه کنه و چندتا دفتر هم پر کرده باشه،
و آخرش هم املت درست کنه!

آقای همساده

یه آمریکایی میره سربازی، توی آموزشی بهش می گن اگه ۳ تا دشمن اومدن سمت چه کار می کنی؟ می گه می زنم می کشمشون.
می گن اگه ۴ تا بیان چطور؟
می گه آسفالتشون می کنم.
می گن اگه ۵ تا بیان و تو فقط ۵ تیر داشته باشی چی؟
می گه می زنم لهشون می کنم.
می گن آفرین به شجاعت، حالا اگه ۷۰ نفر و ۳ تا هواپیما و ۵ تا تانک بیان چی؟
می گه فرار می کنم و می گم گل بگیرن اون ارتشی رو که غیرازمن کسی رو نداره!

خوشمزه خان

ساعت ۵ صبح واسم SMS اومد. به سختی از زیر پتو دراومدم. دیدم نوشته، بازار فرش شعبه دیگری ندارد اونقدر خوشحال شدم که نگو همش فکر می کردم به شعبه دیگه دارن و به من نمی گن!

پسر خوشمزه خان

من خواهشی که از رستوران های لوکس دارم اینه که حداقل توی منو، کنار اون اسم عجیب غربیی که نوشتن، عکسشم بذارن؛ «عالم کو آ» سفارش دادم، نیمرو آوردن برام.

خوشمزه خان

من عکساش فقط تو دوتا زاویه خوبه، یکی پشت به نور، یکی پشت به دوربین. جفتشم به خاطر اینکه قیام معلوم نیست.

آقای همساده

نه طرفدار استقلال، نه طرفدار پرسپولیس...
من طرفدار سیب زمینی سرخ کرده ام.

خیل خان

همسایمون غذا تعارفی آورده بود، اومدم تشکر کنم، قاطی کردم گفتم خداروشکر! فکر کرد ما داشتیم از گشنگی می مردیم، دوتا بهم داد.

خوشمزه خان

کسی می دونه اولین بار کی پیشنهاد داد که باید قبل از عید خونه تکونی کنیم؟ به این سوی چراغ کاریش ندارم! فقط بیاد بگه چرا؟

تبتل خان